

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجرى
۲۷ جنوری ۲۰۲۰

توضیح پیام فدائی: آن چه در زیر می آید متن مصاحبه کانال تلگرام "بذرهای ماندگار" با رفیق فریبرز سنجرى در باره "برخی ملاحظات در رابطه با قیام آبان ماه ۱۳۹۸" می باشد که در نهم دسامبر ۲۰۱۹ صورت گرفت. "پیام فدائی" این مصاحبه را با برخی تصحیحات جزئی از صورت گفتار به نوشتار در آورده است و به این طریق در اختیار علاقمندان قرار می دهد.

برخی ملاحظات در رابطه با قیام آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۸

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود های صمیمانه به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" ، کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران. خیزش بزرگ کارگران و ستمکشان در سراسر کشور و سرکوب دمنشانه مبارزات توده های کارد به استخوان رسیده توسط نیرو های نظامی جمهوری اسلامی که در عمل حمام خونی در کشور جاری ساخت ، پرسش هائی را سبب شد به خصوص که با گذشت چند روز از این جنایات آشکار ، دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی به تکاپو افتاد تا ابعاد وسیع جنایات خود را لاپوشانی کرده و یا آن را به گردن خود تظاهرکنندگان بیندازد. به همین دلیل از رفیق فریبرز سنجرى خواستیم که پاسخگوی پرسش های ما در این زمینه باشند.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: رفیق سنجرى با سپاس از این که پذیرفتید در زمینه رویداد های قیام آبان ۹۸ گفتگوئی با شما داشته باشیم.

رفیق سنجرى: با درود به شما و شنوندگان عزیز کانال بذر های ماندگار و با امید به این که پاسخگوی پرسش های شما باشم.

پرسش: همان طور که اطلاع دارید در جریان خیزش بزرگ آبان ماه ۱۳۹۸ ، تعداد بسیاری از مردم به پا خاسته، کشته و تعداد بسیار زیادتری مجروح شدند و هزاران تن نیز دستگیر گردیدند. جمهوری اسلامی در حالی که تبلیغات مسمومی علیه توده های بپاخاسته سازمان داده و از زبان خامنه ای آن ها را "اشرار و انسان های ناباب" خطاب می کند ، از اعلام آمار واقعی کشته شدگان و تعداد دستگیرشدگان خودداری می کند. با توجه به ماهیت جنایتکارانه دیکتاتوری حاکم و تبلیغات بیشرمانه ای که دستگاه تبلیغاتی رژیم مبنی بر ضرورت مجازات حداکثری برای

دستگیرشدگان راه انداخته ، همه قرائن نشان می دهند که زندگی و سرنوشت این بازداشت شدگان در خطر است. به نظر شما در این زمینه چه باید کرد؟

پاسخ: بگذارید در ابتدا خاطره همه عزیزانی که در جریان این خیزش بزرگ مردمی به دست دژخیمان حاکم جان باختند را گرامی بدارم و تاکید کنم که این خون ها هرگز بر زمین نخواهند ماند و هزاران جوانی که در این خیزش تجربه اندوختن و آبدیده شدند ، بیشک پرچم آرمان ها و مطالبات شهدا را بلند کرده و در راهی که با خون آن ها هموار گشته تا سرنوختی جمهوری اسلامی و نابودی نظام ظالمانه حاکم پیش خواهند رفت. همان طور که گفتید جمهوری اسلامی از ارائه آمار کشته شدگان و دستگیر شدگان حوادث اخیر خودداری می کنه، که این تاکتیک، البته امر تازه ای نیست و اگر هم سران رژیم آماری را اعلام می کردن و یا در آینده بکنن ، تجربه نشون می ده که جز دروغ چیزی ارائه نمی دن. در شرایطی که دیکتاتوری حاکم از قول سخنگوی قوه قضائیه اش مدعی می شه که: "بخش قابل توجه ای از افرادی که در جریان حوادث آبان ماه کشته شدند" توسط خود "معترضان کشته شدند" انتظار آمار درست از این دار و دسته جنایتکار دروغگو داشتن توهم محضه.

اما مطالعه گزارشاتی که تاکنون در این رابطه منتشر شده از تعداد زیاد کشته شدگان خبر می دهد. برای نمونه در حالی که "عفو بین الملل" در یازدهم آذر ماه ۹۸ قتل حداقل ۲۰۵ نفر را رسماً تأیید کرده ، خبرگزاری آلمان "دویچه وله" گزارشی منتشر کرده که از کشته شدن ۳۶۶ نفر در جریان این رویداد ها خبر می دهد. یا تارنگار حقوق بشر در ایران گزارش داده که از ۲۴ آبان ماه به دنبال اعتراضات سراسری در ۱۶۴ شهر بیش از ۹۰۰ تن به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده اند. البته با توجه به گستردگی این خیزش در سراسر کشور که به قول معاون سیاسی سپاه پاسداران در "۲۹ استان از ۳۱ استان کشور" اعتراضات رخ داده ؛ بدون شک این آمار ها گرچه از شدت وحشیگری اوباشان مسلح جمهوری اسلامی خبر می دهند ، اما در واقع تنها گوشه خیلی کوچکی از واقعیت را نشان می دهند و نه همه آن را. به هر حال با توجه به سلطه سانسور بر کشور و فقدان هرگونه آزادی مطبوعات، نمی شه به آمار های واقعی در مورد کشتاری که جمهوری اسلامی به راه انداخت دست یافت. اما گستردگی اعتراضات مردمی در سراسر کشور و این واقعیت که بر مبنای شواهد غیرقابل کتمان، سردمداران جمهوری اسلامی دستور شلیک مستقیم به مزدوران خود داده بودند و با توجه به گزارشاتی که از گوشه و کنار کشور بتدریج رسانه ای می شه مانند مورد "کشتار ماهشهر" می شه فهمید که سردمداران جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مبارزات مردم و فائق آمدن بر اوضاع، در طی حدود ۵ روز، یک جنگ خونین و قتل عامی به راه انداخته اند که کم سابقه بوده و بدون شک ابعادش در آینده بیشتر روشن خواهد شد. در مورد تعداد دستگیر شدگان هم همین مشکل وجود داره. برای نمونه در حالی که سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، تعداد بازداشت شدگان اعتراضات سراسری را تا روز یکشنبه ۲۶ آبان، هفت هزار نفر اعلام کرده ، اما واقعیت اینه که از روز یکشنبه تا پایان خیزش مردم نیز چند هزار نفر دستگیر شدند و این در حالی است که بازداشت ها هنوز ادامه دارند و مقامات امنیتی این رژیم هر روز از دستگیری تعداد دیگری از به قول خودشان "لیدر" های این خیزش خبر می دهند. در هر صورت همان طور که اشاره کردم هیچ آمار نزدیک به واقعیتی از تعداد شهدا و دستگیر شدگان در دست نیست. تنها برای این که درک عینی تری از ابعاد وسیع بازداشت شدگان داشته باشیم ، باید اشاره کنم که در تهران با توجه به این که بخش بزرگی از دستگیر شدگان را به زندان اوین و زندان فشافویه فرستاده اند و رئیس شورای اسلامی شهر ری که این زندان در آن منطقه قرار داره ، اعلام کرده که با توجه به تعداد زندانیان منتقل شده به این بازداشتگاه "زندان فشافویه امکانات لازم را ندارد" و به همین دلیل هم از شرایط بسیار سخت زندگی معترضان زندانی خبر می ده ، می شه به تعداد بسیار بالای بازداشت شدگان

منتقل شده به این زندان پی برد و یقین داشت که در همه استان ها و اکثر زندان ها همین وضع حاکمه و در نتیجه تعداد بازداشت شدگان بسیار بالاست.

حالا، جدا از این که چند هزار نفر در جریان این خیزش بزرگ در سراسر کشور بازداشت شده اند، موضوع مهم اینه که جان اکثر این زندانیان بطور جدی در خطر. هنوز چند روزی از این خیزش نگذشته، جمهوری اسلامی در دستگاه های تبلیغاتی خودش از ضرورت مجازات سنگین و اعدام بازداشت شدگان صحبت می کنه. یا در قطعنامه راهپیمایی دولتی که مقامات حکومت بصورت خیلی مسخره آن را "خود جوش" می نامند به اصطلاح شرکت کنندگان در این راهپیمایی "خواهان اشد مجازات دستگاه قضائی برای اغتشاشگران" شدند. یا برای نمونه معاون دادگستری استان فارس، روز پنجشنبه، در رابطه با شرکت کنندگان در این خیزش گفت "نمیخواهیم از هر کسی که کوچکترین نقشی هم داشته بگذریم". این اظهار نظرهای بی شرمانه، از برنامه های ددمنشانه ای خبر می ده که دیکتاتوری حاکم علیه جوانان و مردمی در سر داره که در ابتدا در اعتراض به گران شدن بنزین و برای حقوق و مطالبات طبیعی خودشان دست به تجمع در خیابان زدند. همچنین حتما شما هم مثل من در شبکه های اجتماعی برنامه ای را دیده اید که در آن شخصی به نام فضل الله بهرام پور، دارد قرآن را تفسیر می کنه. این پادوی معلوم الحال دیکتاتوری حاکم، با استناد به آیات قرآن از "زجر کش" کردن زندانیان سخن می گه و خواهان زجر کش کردن یا به زبان دیگر شکنجه آن ها و "دار" زدنشان در ملاء عام می شه. شنیدن این رجز خوانی ها نشان می ده که سردمداران جمهوری اسلامی باز هم با کشتارهای وحشیانه توده هابه دنبال گسترش فضای رعب و وحشت می باشند. از همین جا می شه متوجه شد که جان عزیزان زندانی ما به طور جدی در خطر.

تجربه چهل سال سلطه جمهوری اسلامی نشون داده جنایتکاران حاکم هنگامی که پای مصالح نظام و منافع شان در کاره، در شکنجه و قتل و جنایت هیچ مرز و حد و حدودی برای خودشان نمی شناسند. در نتیجه تنها راه مقابله با این رژیم، مبارزه برای سرنگونی آن می باشه که جوانان مبارز ما باید با بهره گیری از تجربه مبارزات گذشته با عزمی راسخ تر در این جهت پیش برند. چریکهای فدائی خلق ایران همواره خودشان را موظف دانستن که تجربیات مبارزات گذشته را در اختیار جوانان مبارز ایران قرار بدهند. از نظر ما تشکیل گروه های سیاسی - نظامی و انجام عملیات مسلحانه علیه رژیم به مفهوم بر داشتن اولین قدم در این راه.

شکی نیست که در مقابل سازمان های سیاسی مردمی و ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور نیز وظایف بزرگی قرار داره. آن ها باید با فعالیت های خود و برگزاری آکسیون های گوناگون به خصوص با فریاد شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به حمایت از مبارزات مردم برخاسته و نظر نیرو های مترقی و افکار عمومی در خارج از کشور را به این مسأله جلب کنند و تا می توانند دیکتاتوری حاکم را تحت فشار بگذارند. در عین حال، از آن جا که آزادی عزیزان زندانی ما به امر سرنگونی جمهوری اسلامی که آن هم با قهر انقلابی توده ها امکان پذیره، گره خورده، باید با همه توان روی این امر تأکید و آن را تبلیغ بکنند.

پرسش: امروز بدنبال سرکوب وحشیانه قیام آبان ماه پرسش های متعددی ذهن مردم ما و مبارزین جوان را اشغال کرده. یکی از این پرسش ها اینه که قیام آبان ۹۸ نشان داد که مردم در این قیام دلاورانه خود تا جایی که امکان داشتند به قهر انقلابی توسل جستند اما با این حال جمهوری اسلامی سرانجام خیزش آن ها را سرکوب نمود. چرا در جریان این قیام که بسیار حماسی و قهرمانانه بود، قدرت دشمن به ضعف و ضعف مردم به قدرت سرنگون کننده بدل نگشت؟

پاسخ: مشکل بزرگی که وجود دارد عدم سازمان یافتگی مردم ما و فقدان سازمان انقلابی است که در ارتباط ارگانیک با توده ها در صحنه نبرد مردم باشد. اگر به خیزش های مردمی در سال ۸۸ و ۹۶ و خیزش آبان ماه نگاه کنیم در سال ۹۸ به روشنی متوجه می شویم که همه این مبارزات خود انگیخته، که طی آن توده ها قهرمانانه با دشمن جنگیدند، بدون سازماندهی و رهبری بوده. به راستی که این واقعیت، چشم اسفندیار مبارزات قهرمانانه مردم ما در این سال ها بوده. روشنی که کسی نمی تواند انکار کند که این یک واقعیت تلخه. اما ما نباید در صرف طرح یک واقعیت متوقف بشیم. شکی نیست که باید بر این ضعف غلبه نمود. گام اول برای فائق آمدن بر این ضعف درک این واقعیت که دیکتاتوری لجام گسیخته حاکم هر تشکلی را در همان نطفه خفه می کنه. همان طور که از دهه ۶۰ تا کنون چنین کرده. بنابر این ما در شرایطی زندگی می کنیم که هیچ تشکل (صرفا سیاسی) نمی تونه به وجود بیاد و خودش و روابط بین خودش از گزند یورش دشمن و سربازان گمنام امام زمانش حفظ کنه چه رسه به این که با توده ها ارتباط مستقیم بگیره و آن ها را سازماندهی کنه. اما تجربه مبارزات چریکهای فدائی خلق در دهه ۵۰ تجربه خونینی برای مردم ما به جا گذاشته. این مبارزات نشان داده که پیشاهنگ انقلابی اگر به مبارزه مسلحانه متوسل بشه، قادر می شه خودش و روابط سازمانیش را حفظ کنه و کم کم نقبی به قدرت تاریخی توده ها بزنه. به همین دلیل هم هست که ما همواره تاکید کرده ایم برای غلبه بر این ضعف ضروریه جوانان انقلابی ضمن حفظ مسائل امنیتی دور هم جمع بشن و با تشکیل هسته های سیاسی - نظامی هم خودشون را حفظ کنن و هم امکان ارتباط با همفکران دیگر را پیدا کنند. بر اساس تجربه چریک ها در دهه ۵۰، می شه دید که امکان فائق آمدن بر این ضعف از این طریق امکان پذیره. بدون شک برای یک تشکل انقلابی امر ارتباط با توده ها و سازماندهی آن ها بطور واقعی زمانی مطرح می شه که آن تشکل توانسته باشه خودش رو از گزند حملات نابود کننده دشمن حفظ کنه. امیدوارم که نسل جدید انقلابی ای که در جریان این قیام ها شکل گرفته، این تجربه را بکار بگیره تا خیزش های آینده از فقدان نیروی رهبری کننده در رنج نباشه. واضح است که اگر یک چنین رهبری ای به وجود بیاد، سعی خواهد کرد از این قیام ها برای سازماندهی مسلح توده ها استفاده بکنه و مبارزات توده ها را تشکیل ارتش خلق برای مقابله با نیروهای مسلح ضد خلقی کنونی را ادامه بده. چون درست در این پروسه است که قدرت دشمن به ضعف و ضعف مردم به قدرت سرنگون کننده تبدیل می شه.

پرسش: بگذارید قبل از ادامه این گفتگو از خصوصیات ویژه قیام آبان ماه سؤال کنم. شما خصوصیات اصلی این قیام را در چه می بینید؟

پاسخ: ببینید با نگاهی به ترکیب جمعیت در مبارزاتی که در اواخر آبان ماه در سراسر کشور رخ داد فوراً متوجه می شیم که این قیام به واقع خیزش کارگران و تهیدستان بود. قیام انسان هائی که نظام سرمایه داری حاکم حتی قادر به سیر کردن شکمشان نیست. قیام کارگران بیکاری که تا آخرین شیره جانشان کشیده شده و بعد هم کارفرماهای بی همه چیز، بدون هیچ گونه مسئولیتی نسبت به زندگی و سرنوشت آن ها، مبادرت به اخراجشان کرده اند. این ها در جامعه ای با نظم سرمایه داریه که جمهوری اسلامی با سرنیزه و شکنجه و اعدام از آن حفاظت می کنه، نظم ظالمانه ای که لشکری از بیکاران تشکیل داده که هر روز هم صفوفشان فشرده تر و گسترده تر می شه.

به باور من خود ویژگی اصلی قیام آبان ماه این بود که از اعماق جامعه برخاسته بود. البته قیام دیماه ۹۶ هم این خصوصیت را داشت ولی این بار کارگران و زحمتکشان در صفی به مراتب گسترده تر و فشرده تر از قبل در میدان نبرد حضور داشتن.

اگر از خزعبلات خامنه ای که مردم را اشرار می نامد و همه چیز را به توطئه بیگانگان نسبت می دهد بگذریم حتی دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی هم در رابطه با ترکیب طبقاتی قیام کنندگان، از بیکار و فقیر بودن دستگیر شدگان خبر دادند. قیام آبان ماه جلوه روشنی از شورش گرسنگان بود که خیلی ها در ایران پس از قیام های دیماه ۹۶ در انتظارش بودند و هنوز هم برغم همه بگیر و ببند ها چنین قیام هائی بدون شک باز از جایی سر بر خواهند آورد. وقتی لشکر بیکاران هر روز گسترده تر می شه و با هر سیاست "شوک درمانی" دژخیمان حاکم میلیون ها نفر به زیر خط فقر پرتاب می شن و جمعیت حاشیه نشینان شهری که در آلونک هائی در حاشیه شهر ها زندگی می کنند ، هر روز بیشتر می شه و برخی آمار از وجود ۱۹ میلیون حاشیه نشین خبر می دهند که حتی حداقل های اولیه زندگی را ندارند ، طبیعیه که شورش گرسنگان هم هر روز وسیع تر و رادیکال تر بشه. بی جهت نیست که مردم شعار می دهند که "مگر زندگی می کردیم که از مرگ بترسیم". امری که لرزه بر پایه های سست سلطه حاکم می اندازه. بد نیست همین جا یادآوری کنم که بعد از سرکوب خیزش ۸۸ ، یکی از پاسداران خامنه ای با تکیه بر حضور جوانان بالای شهر در این خیزش گفته بود که این ها عددی نیستند ، باید از وقتی ترسید که جنوب شهری ها وارد میدان بشوند. امری که در قیام دی ۹۶ و در سطح هر چه وسیعتری در قیام آبان ۹۸ رخ داد و سردمداران جمهوری اسلامی را حسابی ترساند. خصوصیت بعدی این خیزش، این خیزش بزرگ مردمی ، رادیکالیزم آشکار آن و مبارزتش به قهر انقلابی شدید و گسترده بود. چریکهای فدائی پوستری دارند که در آن نوشته شده "قهر ضد انقلابی رو فقط با قهر انقلابی می توان پاسخ داد" و آن چه توده های جان به لب رسیده در خیزش آبان ماه نشان دادند ، درست عمل به همین نظر بود. وقتی در یک استان صد بانک به آتش کشیده می شن خوب معلومه که توده ها به تجربه به این نتیجه رسیده اند که وقتی جمهوری اسلامی با زبانی جز زبان زور سخن نمی گه ، آن ها هم جز با اعمال قهر انقلابی نمی توانند به مطالبات اصلی خودشون دست پیدا کنند. به خاطر این که پاسخ طولانی نشه ، از پرداختن به بقیه موارد که به جای خود هم مهم هستند ، می گذرم.

پرسش: شما در جریان صحبتتان مطرح کردید که برای آزادی زندانیان سیاسی ، وظیفه بزرگی در خارج از کشور مقابل نیرو های مردمی قرار داره، بدون شک شما سلطنت طلبان را جز نیرو های مردمی نمی دانید ، اما اخیرا آن ها در برخی از کشور ها در زمان تظاهرات نیرو های انقلابی ، کنار آن ها آمده و حتی سعی می کنند اغتشاش ایجاد کنند. در این مورد چه باید کرد؟

پاسخ: نکته ای را که مطرح کردید واقعیتی دردناکیه که از مشخصه های اوضاع کنونی. سلطنت طلبان که امروز به عنوان یک جایگزین امپریالیستی مطرح شدند و می شوند، اساسا جزء نیرو های ضد مردمی هستن و هیچ نیروی مترقی و آزادیخواه با آن ها تظاهرات مشترک برگزار نمی کنه. البته این ها در خارج از کشور برای سال های طولانی اساسا جرات نمی کردن خودشون رو نشان بدهند ، چه رسه به این که بخواهند در تظاهرات نیرو های انقلابی حضور پیدا کنند. اما از وقتی که قدرت های امپریالیستی از طریق تلویزیون هائی که با بودجه های کلان ، سازمان داده شده اند، شروع کردند به تبلیغ برای سلطنت، این ها بوی کباب شنیده و می کوشند تا مثل چپ ها ، علیه جمهوری اسلامی تظاهرات برگزار کنند.

ما هرگونه همکاری با این دار و دسته مزدور را مخالف منافع و مصالح انقلاب مردم می دونیم و آن را محکوم می کنیم. نیرو های انقلابی باید دست در دست هم آکسیون های مبارزاتی خودشون را در خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی برگزار کنند و به هیچ وجه اجازه ندهند که نیرو هائی که دستشان به خون مردم ما آلوده است ، مرزهای انقلاب

و ضد انقلاب را مخدوش کنند. باید تاکید کنم که بسته به شرایط و اوضاع عینی در هر کشوری این وظیفه فعالین همان کشوره که ببینند این خط اصولی و غیر قابل تردید را در عمل چگونه پیاده کنند. اصل حرف اینه که نیرو های انقلابی نباید اجازه بدن که نیروی ضد مردمی ای نظیر سلطنت طلبان که از حمایت بی چون و چرای بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاعی غربی برخوردار هستند ، در چشم مردم در داخل کشور، خودشون را به عنوان تنها بدیل جمهوری اسلامی جلوه بدهند.

پرسش: حال که صحبت از سلطنت طلبانه بگذارید این سؤال را هم بکنم. گفته می شود که در نقاطی از ایران تحت تأثیر تبلیغات تلویزیون "من و تو" و یا رسانه های دیگر به نفع سلطنت و به خصوص رضاخان قلدر، شعار "رضا شاه، روح شاد" داده شده، دلیل این امر را چه می دونید؟

پاسخ: اصل مسأله بر می گردد به این واقعیت که چهل ساله که جمهوری اسلامی با شکنجه و قتل و جنایت و چپاول و دزدی و فساد ، بر سر کاره و جان مردم را به لیشان رسونده. در این فاصله طولانی بطور طبیعی نسل های جدیدی شکل گرفته و رشد کرده که اطلاعی از دوران شاه ندارند و از شرایط دیکتاتوری و زندگی نکبت بار آن موقع چیزی نمی دانند و تصویری هم از شرایط غیر قابل تحمل و ظالمانه ای که باعث شد تا پدران و مادرانشان به انقلاب برحق سالهای ۵۶-۵۷ برخیزن، ندارند. از سوی دیگر چه در خود جمهوری اسلامی و چه توسط رسانه های امپریالیستی صبح تا شب دارن تبلیغ می کنند که آن دوران از قرار مردم همه چیز داشتن و زندگیشان به خوبی و خوشی می گذشته. گوئی کم کم در میان مردم ما گوش های شنوایی برای تبلیغات نادرست از سوی این دار و دسته های مزدور پیدا شده. به خصوص که با گذشت چهل سال از سقوط سلطنت و جوان بودن جمعیت کشور ، خیلی ها دوران یکه تازی شاه که در جنایت و دزدی از ولی فقیه کنونی هیچ کم نداشت را ندیده اند.

بنابر این کسی که فریب تبلیغات رسانه های مدافع سلطنت را بخوره فکر می کنه که با قدرت گیری سلطنت به آزادی و دموکراسی و پیشرفت و رفاه دست پیدا خواهد یافت که این ایده البته توهمی بیش نیست. سلطنت پهلوی چه در زمان رضا شاه و چه در زمان فرزندش محمد رضا شاه هیچ جنایتی نبوده که در حد توانشان علیه مردم ما نکرده باشند. اتفاقاً یکی از شاهکار های سلطنت همین جمهوری اسلامی. درسته که در کنفرانس گوادلوپ امپریالیست ها دار و دسته خمینی را به مثابه جانشین رژیم شاه انتخاب کردند ، اما یکی از دلایل این امر این بود که دیکتاتوری شاه در حالی که همه نیرو های سیاسی را سرکوب می کرد و اجازه هیچ گونه فعالیت سیاسی به آن ها نمی داد ، اما هر روز شرایط را برای رشد آخوند ها و خرافات مذهبی آماده تر می کرد. برای نمونه در حالی که انقلابیون را به خاطر کوچکترین فعالیتی حتی نظیر پخش اعلامیه های ضد حکومت شاه ، دستگیر و اعدام می کردند اما آخوند ها ، بویژه در سال های آخر منتهی به قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن (۱۳۵۷) ، در مساجد آزاد بودن که سخنرانی های غرا سر دهند و برای خودشون نیرو گیری کنند. به همین دلیل هم جمهوری اسلامی را باید یکی از شاهکار های سلطنت پهلوی دانست. ارثیه شومی که سلطنت از خودش برای آینده به جا گذاشت. اتفاقاً همان روش را امروز هم در جمهوری اسلامی برای سلطنت و ساواک جنایتکارش دارند انجام می دهند. مگر همین زیبا کلام نبود که با آزادی کامل در زیر سلطه جمهوری اسلامی و در دستگاه های تبلیغاتی خود این رژیم ادعا می کرد که مردم باید "مدیون ضرب شمشیر آقا محمد خان قاجار و مدیون چکمه های رضا شاه" باشند؟ خوب با چنین تبلیغاتی ، اگر جوانی هم در اعتراض به جمهوری اسلامی فریاد بزنه "رضا شاه، روح شاد" امر عجیبی نیست.

پرسش: درسته که با چنین تبلیغات پر حجمی فریب خوردن برخی از جوانان امر عجیبی نیست. اما آیا همین واقعیت این وظیفه را با برجستگی مقابل نیروهای انقلابی قرار نمی دهد که به مقابله جدی با چنین تبلیغاتی برخیزند؟

پاسخ: درست می گوئید باید علیه این تبلیغات به مقابله برخاست و تا حد توان اجازه نداد که سلطنت طلبان و نه تنها آن ها ، بلکه هر نیروئی که بخواهد در تقابل با منافع مردم ما ، با کمک نیرو های امپریالیستی به قدرت برسه، جوانان و مردم را فریب بدهند. به باور ما مردم ما برای این که فریب این ناجیان کاذب را نخورند باید برنامه های آن ها را مورد بررسی قرار بدهند. تا ببینند که چنین نیرو هائی ، آیا خواهان نابودی نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم هستند؟ آیا آن ها خواهان قطع سلطه امپریالیست ها از ایران هستند؟ تجربه نشون میده که تا زمانی که سلطه امپریالیست ها از جامعه ما قطع نشده ، آن ها ، رژیم های وابسته و سرکوبگر را با عبا و عمامه و یا با فُکُل و کراوات تولید می کنند و به جان مردم ایران می اندازند. مردم ما باید هشیار باشن و اجازه ندهند که امپریالیست ها بتوانند با سوء استفاده از نفرت به حق مردم ما از آخوندها و جمهوری اسلامی، دار و دسته دیگری را در شکلی متفاوت از سران کنونی، برای چاپیدن و سرکوب مردم به جای آخوندها بنشانند و بر جان و مال مردم حکومت کنند.

معیار دیگری که جوانان ما و کارگران و مردم ستمدیده باید حتما روی آن تمرکز داشته باشن اینه که آیا مدعیان جایگزینی جمهوری اسلامی خواهان نابودی ارتش و سپاه پاسداران و خلاصه ماشین سرکوب جمهوری اسلامی هستند یا قصدشان اینه که با همین نیرو ها و مثلا با حذف چند تن از رئیس و رؤسا و تغییر نام و یا حتی با ادغام کردن آن ها در هم، نیروی سرکوب اهریمنی تری را بوجود آورند و کنترل و سرکوب توده ها را به دست آن ها بسپارند؟

البته موارد مهم دیگری هم برای تشخیص یک نیروی خلقی از ضد خلقی وجود داره، مثل باور یا عدم باور به حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم و غیره که به خاطر طولانی نشدن پاسخ به آن ها نمی پردازم. خلاصه کنم نیرو هائی که این موارد را نادیده گرفته و برنامه ای برای مقابله با آن ها در دست نداشته باشند در واقعیت دنبال برقراری دیکتاتوری از نوعی دیگری هستند که فرق اساسی با دیکتاتوری جمهوری اسلامی نخواهند داشت. به باور ما وقتی بحث آلترناتیو و جایگزین مطرح می شه قبل از هر چیز باید این موارد بررسی و روشن بشه. آن هائی که هنوز به قدرت نرسیده حاضر نیستند بدیهی ترین خواست های مردم را در برنامه خودشون قید بکنند ، روشنه که دیکتاتورهای هستند که چون دستشان از قدرت کوتاه است خودشون را دمکرات جلوه می دهند. به همین دلیل هم افشای چنین نیرو ها و برنامه هائی امروز باید جزئی از برنامه هر نیروی انقلابی باشه.

پرسش: در دوران انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ یکی از تزهائی که رویش خیلی تبلیغ می شد این بود که "همه با هم" علیه شاه! و بعد از شاه صحبت می کنیم که چه برنامه ای باید پیش برده شود. امروز هم دوباره این جا و آن جا شنیده می شود که با ادعای تمرکز روی تغییر جمهوری اسلامی باز هم دارند "همه با هم" را علم می کنند. با این مسأله چگونه باید برخورد کرد؟

پاسخ: خوب در تجربه مبارزاتی مردم ما نتیجه تری "همه با هم" با تمام عواقب ویران کننده اش خودش را در تاریخ چهل ساله گذشته خیلی روشن نشون داده. این امر در جریان انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ به نفع خمینی و دار و دسته اش تمام شد. به همین دلیل هم امروز نباید اجازه داد که دوباره چنین تری عوام فریبانه ای را علم کنند. من هم شنیده ام که در برخی تظاهرات ها در خارج از کشور حتی برخی از چپ های قدیمی از چنین تری حمایت کرده اند. اما این نه نشان واقع بینی آن ها بلکه انعکاسی از سقوط ایدئولوژیکی شان و زیر پا گذاردن تجارب قبلی مبارزات مردم ما می باشه. تجربه نشان داده که هیچ اتحادی بدون روشن بودن خط و مرزها و برنامه ها به نفع نیروی انقلابی تمام نمی شه.

با توجه به تجربه انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ شکی نباید داشت که کسانی که امروز چنین تبلیغ می کنند ، ریگی در کفش دارند. چرا مردم نباید بدانند که هر نیروی سیاسی در صورت قدرت گرفتن ، قراره کشور را به کدام سمت جهت بده. اگر هنوز جمهوری اسلامی سرنگون نشده ، نیرو های سیاسی اجازه نداشته باشند برنامه های همدیگر رو نقد و بررسی کنند و اگر چنین کنند متهم بشوند که در "اتحاد" نیرو ها اخلال ایجاد کرده اند و متهم به تفرقه افکنی بشوند، خوب معلومه که اگر قدرت هم به دست این نیرو ها بیفته همین وضع ادامه خواهد یافت. خلاصه کنم با تز "همه با هم"، ما صفوف انقلاب را گسترش نمی دیم و تحکیم نمی کنیم بلکه به فریبکاران اجازه می دهیم که کالاهای بنجل خودشون را بهتر آب کنند و نتایج این عوام فریبی را هم مردم ، از همان فردای سرنگونی جمهوری اسلامی شاهد خواهند بود.

پرسش: با سپاس از این که پاسخگوی پرسش های ما بودید. اگر مورد دیگری هست که مایلید به آن بپردازید بفرمائید؟
پاسخ: ببینید واقعیت اینه که ما در شرایط حساس و بغرنجی قرار داریم. به همین دلیل هم از این فرصت استفاده می کنم و چند نکته را مورد تاکید قرار می دهم. اولاً کارگران و ستمدیدگان ما با جسارت غیر قابل توصیف بار ها به خیابان ها ریخته اند و خشم و نفرت خود شون از جمهوری اسلامی ، این جرثومه فساد و تباهی رو نشون دادن. اما با وجود تمام دلاوری های غیر قابل انکار و ستایش برانگیزشان زورشان نرسیده که کاری که شروع کردن را تمام کنند و جمهوری اسلامی رو به زباله دان تاریخ بندازند. چه قیام های دی ماه ۹۶ و چه قیام های آبان ماه ۹۸ ، با صراحت خیلی بیشتری نشان دادن که برای رسیدن به آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی راهی جز مبارزه مسلحانه و سازماندهی قدرت مردم در مقابل قدرت دشمنشان وجود نداره. مردم بدون سازمان و بدون سلاح، خودشون این واقعیت را در کف خیابان فریاد می زنن. وقتی خبرگزاری فارس گزارش می ده که تنها در یک استان "بیش از ۱۰۰ بانک و ۵۷ فروشگاه بزرگ" به آتش کشیده شده اند ، وقتی معاون سیاسی سپاه پاسداران اعتراف می کنه که :آتش زدن بانک ها و مراکز دولتی که در روزهای پایانی آبان ماه رخ داد، به نسبت رویداد های سال های ۸۸ و ۹۶ بسیار گسترده تر و بزرگتر بود و یا اعتراضات اخیر بر خلاف گذشته ، نشانگر بروز یک "خسونت سازمان یافته" بود، این ها همه نشون می دن که اکثریت مردم به این نتیجه رسیدند که قهر ضد انقلابی را فقط با قهر انقلابی می شود پاسخ داد. در چنین شرایطی که دشمن، جنگی خونین را به توده ها تحمیل کرده ، مردم را از آتش سوزی ترساندن و یا آن ها را دعوت به "نافرمانی مدنی" کردن و یا به مبارزه مسالمت آمیز دعوت کردن ، نشانه تلاش برای تداوم دیکتاتوری حاکمه که جز با تشدید چپاول و سرکوب کارگران و ستمدیدگان قادر به حفظ سلطه اهریمنی خود نمی باشد.

مورد دیگری که لازمه با تاکید در موردش صحبت کنم اینه که تجربه چهل سال سلطه جمهوری اسلامی ثابت کرده که برغم همه هیاهو های ضد آمریکائی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی، این رژیم خیلی بیشتر از رژیم شاه وابسته به امپریالیست ها بوده و در جهت پیشبرد برنامه های آن ها گام برداشته. نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه اگر بیندازیم ، میلیارد ها دلاری که این رژیم در لبنان و عراق و سوریه و یمن و غیره خرج می کند ، صرفاً به خاطر پیشبرد برنامه های دیکته شده از سوی اربابانش می باشه نه این که به خاطر کمک به اقتصاد ایران باشه که در بحران غوطه می خوره و همین سیاست ها هر چه بیشتر آن را بسوی ورشکستگی پیش می برند. بی جهت نیست که امپریالیست ها هم با همه امکانات از این رژیم ددمنش حمایت می کنند. اگر به شیوه برخورد آن ها با همین قیام بزرگ اخیر توجه کنیم و نگاه کنیم می بینیم که چطور اخبار قهرمانی های مردم ما را سانسور کردند و همان طور رفتار کردند که جمهوری اسلامی می خواست. تا آن جا که یکی از روزنامه های سوئیس نوشت که: ایران در آتش می سوزد ولی هیچکس نباید متوجه شود. این سخن به خاطر آن بود که اکثر رسانه های اروپائی رویدادهای قیام آبانماه ایران را

بایکوت خبری کردند. یا در شرایطی که جمهوری اسلامی اینترنت را قطع کرده بود ، سفیر آمریکا در آلمان ادعا کرد که توانائی فنی برای برقراری "اینترنت بدون سانسور" برای مردم ایران را دارند ، اما کسی در عمل شاهد هیچ حرکتی در این جهت نشد. بنابر این نباید فریب تبلیغات ریاکارانه امپریالیست ها که به خاطر سیاست "ایران هراسی" دامن زده می شه رو خورد. آن ها دشمنان مردم ما هستند و به تنها چیزی که فکر می کنند تداوم چپاول و غارت مردم ماست. بنابر این آن نیرو هائی که برای رسیدن به قدرت ، چشم به کمک آن ها بسته اند ، هیچ آینده روشنی را برای توده های فقیر و گرسنه و تشنه آزادی به ارمغان نخواهند آورد. بنابر این به هیچ وجه نباید فریب تبلیغات آن ها را خورد که خودشون بازیچه ای در دست قدرت های بزرگ می باشند. در شرایط ایران ، برای رسیدن به آزادی باید به کارگران و توده های ستمدیده متکی بود و با آن ها برای دست یابی به پیروزی جنگید.

پرسشگر بذرهای ماندگار: رفیق سنجرى بار ديگر سپاسگزارم كه در اين گفتگو شركت كرديد.

رفیق سنجرى: با تشكر از كانال بذرهای ماندگار كه چنين فرصتى را فراهم كرديد. پيروز باشيد.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریكهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۴۵ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۸